



• درآمد

این مصاحبه از واپسین سخنان شهید آیت‌الله دستغیب است که در تاریخ ۶۰/۹/۱۸، دو روز قبل از شهادت ایشان انجام شده و متضمن آرا و نظرات آن شهید بزرگوار در باره مهم‌ترین رویدادهای سیاسی و نیز دیدگاه‌ها و پیش‌بینی‌های او در باره آینده انقلاب اسلامی است.

یادش گرمی باد

■ روایت آیت‌الله دستغیب از حیات خویش و اولویت‌های نظام اسلامی
در واپسین روزهای زندگی

وظیفه روحانیت همان وظیفه پیامبران است...

که نماز خوانده شود. بعد هم در ماه مبارک تشویق کردیم مردم را به اینکه اینجا تعمیری بشود. پول‌هایی جمع شد و مشغول شدند و بحمدالله از همان سنه ۲۱ ماه رمضان شبستان‌هایش را تعمیر کردند و بعد هم بحمدالله ما از همان سنه ۲۱ موفق بودیم. هر شب بعد از نماز یک ساعت تفسیر قرآن مجید و بیان اخلاق و قوائد و اینها وقتی از سنه ۴۶ که حضرت امام خمینی اطال‌الله عمره شریف در قم نهضت فرمود و امر فرمود که همه قیام کنند، ما هم اجابت کردیم و اینجا مشغول شدیم به مبارزات و آن پیشامدهایی که شد.

اوقات فراغت خودتان را چه در گذشته و چه در حال چگونه سپری می‌کنید؟

بنده که در جوانی در گذشته که به نظر نمی‌آید که اوقات فراغتی داشته‌ام. همیشه مشغول بودیم، یا مطالعه‌ای بوده یا درس دادن بوده یا نوشتنی بوده. اوقات فراغتی نبود. حالا هم که از کار افتاده‌ایم تا اندازه‌ای که بتوانم الان هم مشغول هستم بحمدالله در نوشتن، درس دادن و مطالعه. خداوند ان‌شاءالله همه‌مان را موفق بدارد به انجام وظیفه، به اینکه اوقاتمان به بطالت نگذرد و از عمرمان بهره ببریم.

قسمت اعمالکم الجنه

هر نفس زانفاس عمرت گوهری است

آن نفس سوی خدایت رهبری است

انسان عاقل نباید یک لحظه هم به بیهوده بگذراند تا بتواند همه عمرش از این سرمایه عزیز بهره ببرد، به اندازه‌ای که بتواند خدمتی به اسلام کند، خدمتی به مسلمین کند، خدمتی به مستضعفین کند، در عمل صالح و ذخیره آخرت من اهدتی انما بیجی لنفسه. هرکس کاری کند برای خودش است. خودش بهره می‌برد، و وقتش را بیهوده نگذرد بی‌نتیجه نباشد

و از روحانیت بیرون روم و مسجد و منبری نباشد. بنده بناچار فرار کردم رفتم نجف اشرف. البته این هم وسیله‌ای بود. خدای تعالی خیری می‌خواست برای ما که آنجا مشرف شویم و آنجا هم مدتی خدمت آیت‌الله شیخ محمد کاظم شیرازی و مرحوم آیت‌الله اصطهباناتی خدمت این بزرگان استفاده می‌کردم تا بعد از شهریور ۲۰ و سقوط پهلوی و آنجا در سنه ۲۱ بنده مراجعت کردم به شیراز.

به شیراز که آمدم دوستانمان آمدند برای اینکه یک مجلسی که اقامه جماعت بشود منبر در آن بشود این

وظایف روحانیت همان وظیفه پیغمبران است. روحانیون خلفای انبیا و ائمه هستند، جانشینان آنها هستند. آنچه را که آنها انجام می‌دادند، اینها باید همان را انجام بدهند. وظیفه انبیا عبارت است از تحکیم عقاید مسلمین، راهنمایی مسلمین. از حیوان است، انسان بعد از مرگ حیات ابدی دارد و باید اینجا تزکیه کند خودش را.

مسجد جامع عتیق در آن وقت از طرف پهلوی دستور داده شده بود که مصالحش را بفروشند و اگر بشود اینجا را یک اداره‌ای بکنند و شبستان‌هایش تمام خراب، صحن مسجد تمام خراب، فقط قسمت شبستان وسطی که منبر بزرگ درش هست سالم بود. خوب پهلوی هم ساقط شده بود و اینها کسی مانع نشد. رفقا آمدند و ما رفتم شبستان وسط و نظیف کردند دیگر بعد ماه رمضان، مومنین هم روز به روز اجتماع زیادتر و هر روز مقداری از سطح مسجد را تسطیح می‌کردند

حضرت آیت‌الله مشخصات خودتان را ذکر نمائید. بسم‌الله الرحمن الرحیم. بنده سید عبدالحسین دستغیب پدر ما مرحوم آقای سید محمد تقی دستغیب، تولد بنده روز عاشورای محرم ۱۳۲۲ بود که مطابق بود با ۱۲۹۲ شمسی

دوران کودکی، نوجوانی و جوانی را چگونه گذراندید و در این دوران تحصیلات شما به چه صورت و در چه جاهایی بوده است.

بنده تا سنه ۱۳۴۳ که پدر ما مرحوم شد، مقداری از مقدمات را خدمت ایشان خواندم. هنگام فوت والده تقریباً بنده ۱۱-۱۲ ساله بودم. ادامه تحصیلات را در شیراز که عبارت بودند از صرف و نحو بیان و منطق و فقه و اصول و ... به علت اینکه مصادف بود با اوایل سلطنت رضاخان قادر ملعون و جنگ با روحانیت، از بین بردن روحانیت و اینکه نمی‌گذاشتند کسی طلبه شود تحصیل علم بکنند فشارهایی که می‌آوردند که گفتنی نیست کمتر کسی دیگر حاضر می‌شد تحصیل علم کند و در رشته طلبگی بیاید.

به طوری این ملعون جو را بر علیه روحانیت درست کرده بود که می‌گفتند روحانی عضو فلج اجتماع است که کسی اصلاً رغبت نکند، لکن در همان حال خدای تعالی شوقی عنایت کرده بود که ما به همه سختی‌ها ساختیم و با همه فشارهایی که بود تحمل کردیم و بحمدالله ادامه دادیم تحصیلات را و در همان اوقات هم دوش به دوش تحصیلات که می‌کردیم در مسجد باقرخان آنجا مشغول بودیم و بعد از نماز به تبلیغ و بر علیه دستگاه پهلوی، لذا در همان وقت چند بار ما را زندان کردند و یک دفعه هم بناشان تبعید بود و بعد فشار آوردند که اصلاً باید از روحانیت بیرون بروی و ۲۴ ساعت مهلت دادند که بنده خلع لباس کنم

هزار آمریکایی بودند پشت پرده این مردک، والا آنها بودند، مسلط بودند و بحمدالله نتیجه هم گرفته شد. الان هم واجب است استمرار آن. اگر یک روحانی سرسوزنی میل به آمریکا، میل به بنی‌صدر، میل به رجوی‌ها این طاغوت‌ها پیدا کرد، این منحرف شده از راه انبیاء. این روحانی اگر سرسوزنی سازش کرد، مطرود است. مبارزه هم الان باز واجب است چون ملت آماده‌اند، چون همه ملت در صحنه‌اند، هیچ آخوندی عذر ندارد. در زمان پهلوی به هر آخوندی که چی می‌گفتند می‌گفت بابا مردم که با ما نیستند، ما چی چی بگوئیم؟ ولی حالا بحمدالله ملت که همه در صحنه‌اند، پس یک آخوندی اگر ساکت باشد از روحانیت بیرون رفته است، انجام وظیفه نکرده است.

در گذشته کسی نفس نمی‌توانست بکشد از روحانیون، حالا که عکس شده است. حالا اگر یک روحانی ساکت باشد، خود ملت بهش اعتراض می‌کنند. چه نعمتی شده است الحمدالله رب العالمین. من امیدوارم که ان‌شاءالله همه روحانیون همه با هم در صحنه مبارزه باشند، مثل ملت عزیز که همه در صحنه‌اند، جوان‌های عزیز همه در صحنه‌اند، همه پشت سر رسول‌الله‌اند، پشت سر حسین‌اند، پشت سر امام مانند همان خط انبیاء. (و ان هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه) همه در یک خط واحد که آن اسلام و رویارویی با کفر است. خط اسلام نه معنی‌اش این است که مسلمانیتم و نمازی می‌خوانم (اشدء الکفار رحماء بینهم) اگر چنانچه بگوئید من قبول دارم، ولی جهاد را قبول ندارم، نومن به بعضی و نکفر ببعض، نصف دین را قبول دارم و نصف دیگر را قبول ندارم و آن نصف هم که قبول دارم، بی‌دینی است، بیهوده است. دریک آیه شریفه می‌فرماید: (اولئک هم الکافرون) حق اگر کس بگوید به بعضی کتاب را قبول دارم و بعضی قرآن را قبول ندارم، این کافر است. اگر یک آیه قرآن را قبول نکرد، این کافر است، اگر گفت من قصاص را قبول ندارم، تا گفت قبول ندارم از اسلام بیرون است.

امروز به نظر شما مردم از انقلاب اسلامی ما چه توقعاتی دارند؟

اگر منظورتان توده مسلم باشد، توده مسلمین تمام توقعشان این است احکام اسلام عمل شود فقط و اما افرادی انگشت شمار سرمایه‌دار، آنها توقعشان این است که نعوذبالله دنیایشان درست شود، می‌خواهد اسلام باشد، می‌خواهد نباشد. رها کنید آنها را. توده‌های ملت هیچ توقعی ندارند. این آورده ببرد بدهد جبهه جنگ، توقعی ندارند. نوعاً همین طبقه سه، همین فقرا، همین توده، همین‌هایی که در جبهه‌های جنگ هستند، اینها که توی جبهه جنگ هستند چه می‌خواهند الا اسلام؟ هیچ نمی‌خواهند، توقعی ندارند. آنکه توقع دارد از اسلام بیرون است. مسلمین انقلاب کردند برای اسلام و همان را می‌خواهند. دنیا و اینهایشان که کمی نداشت. در گذشته همه چیز بود. انقلاب که برای جهات مادی



ستمگر شود. اگر امام می‌خواست نعوذبالله رفاه و راحت طلبی را، اگر می‌خواست بهترین وسایل برایش فراهم می‌شد، لکن خوب آن وظیفه الهی را چه کار کند. روحانیون هم در هر زمانی برایشان واجب است که مبدا سازش با طاغوت کنند. یک جامعه‌ای را اسیر یک طاغوتی ولو به قیمت جانشان هم تمام بشود حرام است سازش کردن و اما مبارزه و مقابله با طاغوت ملت هم تابع او هستند و این ملت هم همراهش هستند - آن وقت مبارزه بکند سازش به‌طور کلی حرام است، یعنی اگر یک وقتی طاغوتی باشد، روحانی حرام است سرسوزن میل به او کردن، سرسوزن تائید کردنش

مسلمین تمام توقعشان این است احکام اسلام عمل شود فقط و اما افرادی انگشت شمار سرمایه‌دار، آنها توقعشان این است که نعوذبالله دنیایشان درست شود، می‌خواهد اسلام باشد، می‌خواهد نباشد. رها کنید آنها را. توده‌های ملت هیچ توقعی ندارند. این آورده ببرد بدهد جبهه جنگ، توقعی ندارند.

حرام است و اما مبارزه با او موقوف به قدرت است که اگر قدرتی پیدا شد آن وقت دیگر مبارزه کنید. همین حضرت امام اطال‌الله شریف مد نظرم هست که از اول پهلوی سرسوزنی این بزرگوار سازش نکرد. اوائل همین مردک محمدرضا هم همین قسم. بعد که دیگر در سنه ۴۲ که دیگر ملت آمادگی پیدا کرد و هیجان عمومی شد ایشان دیگر شروع کرد به مبارزه انجام وظیفه داد بر همه علماء و بر همه ملت واجب شد که ایشان را یاری کنند در کمک اسلام، در اینکه طاغوت آن هم نه تنها محمدرضا بود، آمریکا و چهل

خداوند ان‌شاءالله همه ما را موفق بدارد که از این سرمایه عزیز بهره ببریم.

باتوجه به موقعیت حساسی که هم اکنون در آن قرار گرفته‌ایم فکر می‌کنید، به نظر جناب عالی خدمات روحانیت باید در چه زمینه‌هایی باشد؟

وظایف روحانیت همان وظیفه پیغمبران است. روحانیون خلفای انبیا و ائمه هستند، جانشینان آنها هستند. آنچه را که آنها انجام می‌دادند، اینها باید همان را انجام بدهند. وظیفه انبیا عبارت است از تحکیم عقاید مسلمین، راهنمایی مسلمین. بشر را باید آگاه سازند تا خدای خودشان را بشناسند، معاد را بشناسند. باید جامعه‌شان را متوجه کنند به اینکه انسان غیر از حیوان است، انسان بعد از مرگ حیات ابدی دارد و باید اینجا تزکیه کند خودش را.

اولین وظیفه روحانیت آموزش است و تعلیم و آگاه ساختن جامعه به معارف و آنچه را که باید بفهمد و بشناسد شناخت خدا، شناخت خود، شناخت راه سعادت. دومین وظیفه روحانیت پرورش است یعنی جامعه را تهذیب کند، آنها را از رذائل اخلاقی باز دارند، از حرص و حسد خودخواهی و خودبینی، شهوت پرستی، دنبال مال و ثروت رفتن، دنبال مقام رفتن و همه چیزهایی که وسیله می‌شود که آدمی اسیر دشمن می‌شود، اسیر شیطان داخلی و خارجی. الان هر قومی که اسیر این شیطان‌های بزرگ که در راس آنها آمریکاست، در اثر همین است که اینها مهذب نشدند. الان سران کشورها بر این مقام دو روزه دنیایشان دیدیم که چطور اسیر آمریکا هستند. باید روحانیون هر کشوری، ملتشان، دولتشان را پرورش دهند که اینها نباید اسیر شهوات باشند، اسیر مقام و مال و خوشگذرانی باشند.

دیگر از وظایف مهم روحانیون جلوگیری از طاغوت است. نگذارند طاغوت بر ملت مسلط شود. شما ملاحظه کنید جناب موسی (ع) خدای تعالی می‌فرماید برو پیش فرعون این طاغوت را این سرکش را دعوتش کن و اگر چنانچه هدایت نشد، تهدیدش کن. وظیفه روحانی هم همین است، روحانی باید دست طاغوت‌های زمان را قطع کند و نگذارد رشد کنند، چون این طاغوت‌ها سد عن سبیل‌الله‌اند. طاغوت هیچ وقت نمی‌خواهد که جامعه‌اش هوشیار باشد. اگر هوشیار شد که اطاعتش نمی‌کند. طاغوت می‌خواهد سلطه پیدا کند. ملت اسیرش باشند. ملت باید آزاد باشد و فقط تابع قانون خدا باشد و بس. تسلیم هیچ بشری نشود، جلوگیری کنند از طاغوت. طاغوت یعنی هر قدرت ستمگر و معرفی هر سلطه‌جویی ولو مثل بنی‌صدر باشد. این بنی‌صدر خائن که علما وظیفه خود دانستند وقتی دیدند این شخص را رسوا کنند که ملت در دام او قرار نگیرد، او هم طاغوت بود. بنده شاید چند ماه پیش از عزل بهش نامه نوشتم. نوشتم این راهی که تو گرفتی راه طاغوت است و ما وظیفه خود می‌دانیم که به ملت بفهمانیم که از طاغوت تو بیرون بروند، منتها جواب نامه بنده را نداد، نصیحت بنده را نشنید.

غرض از وظایف مهمه روحانیت این است که نگذارند که ملت اسیر یک طاغوت بشود، اسیر یک سلطه‌جوی

همان نماینده رسول‌الله است، نماینده امام زمان است، بیعت با این بیعت با امام زمان است، بیعت با ایشان بیعت رسول‌الله است اطاعت از ایشان اطاعت از خدا و رسول خداست، این ایمان است که توی جبهه همچون سد عظیمی را این ملت با زیان کمی با خسارت‌های کمی در برابر آنچه را که نصیب شده است، آن همه غنائم که نصیب شده است بزرگ‌ترین بشارتی به اینکه ان‌شاءالله تمامش به دست همین جوانان عزیز ان‌شاءالله فتح خواهد شد و ملت عراق هم نجات پیدا می‌کند کشورهای دیگر هم ان‌شاءالله ملت‌هایشان حرکت می‌کنند و همه می‌آیند رو به قدس و قدس عزیز هم از شر صهیونیسم خلاص می‌شود و هم‌اشار طلیعه ظهور حضرت مهدی (عج) است و وعده خدا. و لقد کننا فی الزبور من بعد الذکران الارض یرثها عبادی الصالحون. تمام مستکبران از بین می‌روند مستضعفین هم ان‌شاءالله صالحین کشورهای خودشان را اداره می‌کنن

عقیده شما راجع به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی چیست؟

چیزی که مهم است در سپاه اخلاصشان است، یعنی از اول انقلاب از بطن انقلاب برای خدا این است که اینها برای خدا حرکت کردند. در کره زمین سابقه ندارد هیچ کشوری که یک قوه‌ای و نیروی الهی پدید بیاید نیروی الهی، یعنی فقط و فقط برای پیشرفت اسلام تا سرحد جان بدون طمع نه طمع به حقوق نه طمع به غنیمت نه مقام نه چیزی از این بالاتر تا جان‌شان را هم اینها کف دست گرفته‌اند. واقعاً این سپاه ایدم‌الله ان‌شاءالله امیدوارم که خدای تبارک و تعالی اخلاصشان را زیادت کند. قدرت روحشان را زیادت کند، اگر سپاه نبود، انقلاب هم نبود. قطعاً همه می‌دانند این آشکار است. تمام مشکلات این سپاه بود، محکم جلوش ایستاد، حتی خطر این بنی‌صدر خبیث، این بنی‌صدر خائن را این سپاه مقدار زیادی جلوش ایستادند و ختنی می‌کردند، لهذا می‌بینیم این بدبخت هم دشمن سپاه بود. دشمنی‌اش به همین میزان بود این سپاه بود که از اول برای خدا از بطن ملت بیرون آمد و عجیب این است بدون اینکه یک قدرت بخواهد این را تشکیل بدهد، در تمام سرتاسر کشور اینها جوشیدند و خروشدند و ایمان حرکتشان داد و اینها یاری خداست اگر یک قدرت بخواهد یک نیروی سرتاسری تاسیس بکند و بدون اینکه قدرتی باشد و بساط باشد اینها خودشان در هر شهری در هر محلی به قدری منسجم شدند و متحد شده‌اند. اخیراً هم بحمدالله بعد از این سقوط خائن ملعون بنی‌صدر بحمدالله ارتش و سپاه و بسیج و همه با هم یک واحد شدند بزرگ‌ترین بشارت است بر پیشرفت، نه تنها انقلاب ایران پیشرفت انقلاب جهان اسلام یک همچنین نیروهایی که متحد شده‌اند و با وحدت کلمه خدای تعالی عمر عافیت امام را زیاد کند و سپاه و سایر نیروها را هم ان‌شاءالله منتظم تر، منسجم تر ایمانشان محکم تر روزهای خوشی در پیش است ان‌شاءالله که نصیب شما جوان‌هاست ما هم شکر می‌کنیم خدای را که در آخر عمرمان دیدیم و آرزو به گور نبردیم. ما آرزوی چنین زمانی را از ۵۰ سال قبل داشتیم که بحمدالله شد و امید است که جوان‌ها بهره ببرند.



که تا بن دندان اینها را مسلح کنند، تمام قوای نظامی همه پشتیبانش بود و این ملت اینها را کرد بیرون به یاری خدا و این دیگر به هیچ مشکلی نباید این ملت احتمال بدهد که مشکل است. پس از او مسئله کویر و بساط و آن هم واقعاً نباید فراموش کرد و اینکه یک نفر نبود آنجا کمک کند الا خدا. توی وادی کویر، فقط قشون خدا همان طوفان و شن اینها را شکست داد. این همه آیات آیا کسی شک دارد در این که ان‌شاءالله صدام ساقط می‌شود و ملت ما پیروز می‌شود و اینکه نمونه‌اش هم آشکار می‌شود پس از شکستن حصر آبادان که کسی احتمال نمی‌داد مسئله فتح بستان و آنچه را که شنیدند که چه استحکاماتی اینها درست کرده بودند برای کشورهای مرتجع منطقه.

اولین وظیفه روحانیت آموزش است و تعلیم و آگاه ساختن جامعه به معارف و آنچه را که باید بفهمد و بشناسد شناخت خدا، شناخت خود، شناخت راه سعادت. دومین وظیفه روحانیت پرورش است یعنی جامعه را تهذیب کند، آنها را از رذائل اخلاقی باز دارند.

نه اینها تنها انگلیس و فرانسه شوروی از همه مهم‌تر آمریکا، مستقیم و غیرمستقیم تمام این قدرت‌ها همه یک طرف، قدرت‌الله اکبر هم یک طرف.

تمام این جوانان عزیز که سلام خدا بر روحشان باد به عین مثل کم من فته قلیله غلبت فنه کثیره باذن الله. در جنگ بدر ۱۳ تا شمشیر مسلمین بیشتر نداشتند و هفت تا مرکب، ولی بحمدالله فاتح شدند و غلبه کردند الان به عین همان ایمان صدر اسلام و آن ایمان و همان عین ایمان آن طور که آنها به رسول خدا تکیه داشتند، الان اینها هم به امام خمینی همان تکیه را دارند. این هم آخر نماینده آنهاست. امام هم اطال‌الله عمره شریف

نبود، جهات صوری نبود، همه‌اش برای اسلام بود، ولی البته همه ما - همه ملت توقع داریم که همه ارگان‌ها به احکام اسلام عمل کنند. اخیراً هم که امام اطال‌الله عمره شریف اعلامیه تاریخی صادر فرمودند که در هر ارگانی اگر خلاف اسلام عمل شود، شدیداً باید تحت تعقیب قرار بگیرد و دولت هم همین را می‌خواهد و آن افراد قلیل چه آنهایی که توی سرمایه‌داری هستند و می‌خواهند تجارتشان روز به روز مالشان زیادتر بشود و چه افرادی لابلالی که اینها قابل اعتنا نیستند. میزان توده میلیونی ملت است، توده میلیونی ملت اینها فقط اسلام را می‌خواهند.

فکر می‌کنید با دشمنان دین اعم از کافرین و منافقین و غیره چه باید کرد؟

آنهایی که مثل آمریکا که محارب است و اعلام جنگ داده با ما و صدام که اعلام جنگ داده، منافقین که اعلام جنگ کرده‌اند، با آنها فقط باید جنگ کرد و هیچ راهی ندارد. اینها را تا وقتی که از کشور بیرون نکرند، واجب است ادامه جنگ. این منافقین هم تا وقتی یک نفرشان هست، جنگ باید کرد، مگر توبه کنند الا الذین تابوا من قبل ان تقدروا علیهم فاعلموا ان الله غفور رحیم: پیش از آنکه گرفتار بشوند اگر آمدند و توبه کردند و گفتند نه ما جنگی نداریم با مسلمین و مسلمانیم و راست هم بگویند و صدقشان هم آشکار باشد، نه مثل آنهایی که توبه کردند و بعد و لث کردند رفتند، ولی اگر دو مرتبه کشتند و فساد کردند، نه توبه‌های صادقانه، وظیفه است که در برابر هر که حربی است، یعنی جنگ دارد، قرآن می‌فرماید که قاتلوا الذین یقاتلونکم. یک حکمی است عقل علاوه شرعی. خوب کسی که جنگ دارد به شما بگویند کارش نداشته باشی تا بکشدت. تو هم جنگ کن نگذار پیش از اینکه شما را بکشند، بکشش. این حکم عقلی است. هر کس محارب شد و روبروی ملت اسلام ایستاد، اگر بنای جنگ داشته باشد، دیگر حالا یا مثل صدام جنگ آشکار یا مثل منافقین جنگ مخفی و ترور و همه فسادهایی که می‌کنند توی خانه‌ها می‌ریزند و غارت می‌کنند و می‌کشند، این حمله مسلحانه اینها همان جنگ است و وظیفه است که با اینها تا یک نفرشان هم زنده است، تا یک خانه تیمی هم هست، بر جمیع ملت واجب است ادامه دهند این جهاد الهی را و یاری کنند اسلام و مسلمین و اما آنهایی که با مسلمین جنگی ندارند ما هم با آنها جنگی نداریم. آنها مسلمند، ما با آنها مسلمیم. کشور عراق که اسم خودش را مسلمان گذاشته، چون با ما جنگ دارد، بر ما واجب است دفاع کنیم و جنگ کنیم و بیرونشان کنیم. اگر کفار حالت مسلم داشته باشند بر ما واجب است مسلم و اگر حرب داشته باشند بر ما حرب واجب است.

نظر تان راجع به جنگ تحمیلی عراق و سرانجام این جنگ چیست؟

گمان نمی‌کنم کمتر کسی است که این معنا بر او آشکار نباشد که از اول هم معلوم بود پیروزی با اسلام است و با اینکه ملتی با نداشتن قدرت ظاهری نه اسلحه نه چیزی و فقط وحدت ۳۵ میلیون، همه با هم، با یک رهبر، با الله‌اکبر، چهل هزار آمریکایی را با آن سلطنتی که پشتیبانی‌اش و پانصد هزار ارتشی مسلح